Journal of Research in Psychological Health
December 2025, Volume 19, Issue 3

Structural Equation Modeling of Tendency toward Extramarital Relationships Based on Loneliness with the Mediating Role of Sexual Quality of Life among Married Women

Fatemeh Soleimani[1], Javanshir Asadi [2*], Arastoo Mirani[3], Afsaneh Khajevand Khoshli [4]

[1.] *PhD Student in General Psychology Department of Psychology, Go. C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.*

[2.] *ASSISTANT professor Department of Psychology, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.*

E-mail: ja.asadi@iau.ac.ir

[3.] *ASSISTANT professor Department of Psychology, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.*

[4.] *ASSOCIATE Professor Department of Psychology, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.*

Citation: Soleimani, F., Asadi, J., Mirani, A., Khajevand Khoshli, A. (2025). Structural Equation Modeling of Tendency Toward Extramarital Relationships Based on Loneliness with the Mediating Role of Sexual Quality of Life among Married Women. **J**ournal of **R**esearch in **P**sychological **H**ealth. 2025; 19 (3):1-16 [Persian].

Article Info:

Abstract

Extramarital affairs are one of the important psychological challenges in the family system that can negatively affect the mental health and marital satisfaction of couples. The present study aimed to investigate the structural equation model of the tendency to extramarital affairs based on loneliness and the mediating role of quality of sexual life in married women referring to family counseling centers in Mashhad. The research method was descriptive-correlation and based on structural equation modeling. The statistical population included all married women referring to family counseling centers in 1403, of which 300 people were selected using the convenience sampling method. The data collection tools included the loneliness questionnaire (Russell, 1980), the tendency to extramarital affairs questionnaire, and the quality of sexual life questionnaire (Simond et al., 2002). The data were analyzed using AMOS and SPSS software and through structural equation analysis and Pearson correlation coefficient. The results showed that loneliness has a positive and significant relationship with the tendency to extramarital affairs. Also, the quality of sexual life played a significant mediating role in the relationship between loneliness and the tendency to have extramarital affairs; in such a way that improving the quality of sexual life reduced the intensity of the negative effect of loneliness on the tendency to have extramarital affairs. The fit indices of the model also indicated the appropriateness of the proposed model. The findings indicate that reducing loneliness and improving the quality of sexual life can be effective in reducing the tendency to have extramarital affairs. Accordingly, psychological and counseling interventions focusing on improving the quality of women's marital and sexual relationships are recommended.

Key words
Feelings of loneliness, tendency towards extramarital relationships, quality of sexual life, married women

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مدل‌یابی معادلات ساختاری گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس احساس تنهایی با نقش میانجی کیفیت زندگی جنسی در زنان متأهل

فاطمه سلیمانی [۱]، جوانشیر اسدی* [۲]، ارسطو میرانی [۳] افسانه خواجوند خوشلی [۴]

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. *Ja.asadi@iau.ac.ir*

۳. استادیار گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۴.دانشیار گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت
۱۴۰۴/۱/۲۰
تاریخ پذیرش نهایی
۱۴۰۴/۱۰/۱

چکیده

روابط فرازناشویی یکی از چالش‌های مهم روان‌شناختی در نظام خانواده است که می‌تواند بر سلامت روانی و رضایت زناشویی زوجین تأثیر منفی بگذارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل معادلات ساختاری گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس احساس تنهایی و نقش میانجی کیفیت زندگی جنسی در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر مشهد انجام شد. روش پژوهش توصیفی–همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده در سال ۱۴۰۳ بود که ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه احساس تنهایی (راسل، ۱۹۸۰)، پرسشنامه گرایش به روابط فرازناشویی و پرسشنامه کیفیت زندگی جنسی (سیموند و همکاران، ۲۰۰۲) بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای AMOS و SPSS و از طریق تحلیل معادلات ساختاری و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد که احساس تنهایی رابطه مثبت و معناداری با گرایش به روابط فرازناشویی دارد. همچنین، کیفیت زندگی جنسی نقش میانجی معناداری در رابطه بین احساس تنهایی و گرایش به روابط فرازناشویی ایفا کرد؛ به گونه‌ای که بهبود کیفیت زندگی جنسی شدت اثر منفی احساس تنهایی بر گرایش به روابط فرازناشویی را کاهش داد. شاخص‌های برازش مدل نیز نشان‌دهنده مناسب بودن مدل پیشنهادی بودند. یافته‌ها حاکی از آن است که کاهش احساس تنهایی و ارتقای کیفیت زندگی جنسی می‌تواند در کاهش گرایش به روابط فرازناشویی مؤثر باشد. بر این اساس، مداخلات روان‌شناختی و مشاوره‌ای با تمرکز بر بهبود کیفیت روابط زناشویی و جنسی زنان توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی
احساس تنهایی، گرایش به روابط فرازناشویی، کیفیت زندگی جنسی، زنان متأهل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مقدمه

ازدواج به‌عنوان نقطه آغاز شکل‌گیری خانواده، نقش بنیادی در تأمین نیازهای عاطفی و امنیتی بزرگسالان ایفا می‌کند و شکل‌گیری روابط پایدار در این چارچوب همواره مورد توجه پژوهشگران و متخصصان حوزه روانشناسی و علوم اجتماعی بوده است (یزدانی و ربات میلی، ۲۰۲۴). رضایت از ازدواج به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی سلامت روان جامعه شناخته می‌شود؛ با این حال، زندگی زناشویی ناکارآمد و نامساعد که قادر به ارضای نیازهای روانی زوجین نباشد، نه‌تنها موجب ارتقاء سلامت روان نمی‌شود، بلکه می‌تواند پیامدهای منفی و گاه جبران‌ناپذیری در حوزه روانشناختی، اجتماعی و حتی جسمانی برجای گذارد (ودویاک و همکاران، ۲۰۲۴) . به همین دلیل، حفظ و تداوم خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ خانواده نه‌تنها به‌عنوان واحد اجتماعی اصلی، کانون رشد و توسعه فردی و اجتماعی اعضا به‌شمار می‌رود، بلکه محیطی برای التیام آسیب‌ها و عوارض روانی نیز هست و می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی یا فروپاشی روابط میان اعضای خود باشد (گزر و اوزکمالی، ۲۰۲۳).

یکی از معضلات جدی و پیچیده زندگی زناشویی، روابط فرازناشویی است. این روابط که شامل برقراری ارتباط عاطفی یا جنسی خارج از چارچوب ازدواج می‌شوند، تأثیرات گسترده‌ای بر سلامت روان زوجین، کیفیت زندگی خانوادگی و حتی ساختارهای اجتماعی دارند (آنتوش و همکاران، ۲۰۲۱). در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، روابط فرازناشویی به‌عنوان تهدیدی جدی برای تعهد زناشویی و بنیان خانواده تلقی می‌شوند (بلو و هارتنت، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این روابط اغلب با پیامدهایی چون افزایش تعارضات زناشویی، کاهش رضایت زوجین، اختلال در ارتباطات عاطفی و آسیب‌های روانی جدی همراه هستند (لیشمن و هولمن، ۲۰۲۱). خیانت زناشویی نه تنها یک بحران فردی برای زوجین، بلکه یک بحران خانوادگی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که شیوع روابط فرازناشویی در محیط‌های بالینی و غیر بالینی قابل توجه است و پیامدهای آن می‌تواند شامل آشفتگی‌های روانی، عاطفی و حتی خطرات جانی باشد (روکاچ و چان، ۲۰۲۳). به‌عنوان مثال، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ۳۰ درصد قتل‌های خانوادگی مربوط به زنانی است که به دلیل خیانت زناشویی و سوءظن توسط همسرانشان کشته شده‌اند و ۲۲ درصد قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد موارد، زنان با همکاری معشوق خود شوهرانشان را به قتل رسانده‌اند (نافیسا و رتناساری، ۲۰۲۲). این یافته‌ها اهمیت بالای شناخت عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به روابط فرازناشویی را نشان می‌دهد و ضرورت پژوهش در این حوزه را برجسته می‌کند.

یکی از متغیرهای روان‌شناختی مهم که به طور مستقیم با گرایش به روابط فرازناشویی مرتبط است، احساس تنهایی است(دیموسکی و همکاران ،۲۰۱۹). احساس تنهایی، حتی در بستر یک رابطه زناشویی، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی گرایش به برقراری روابط فرازناشویی محسوب می‌شود (کارتر و همکاران، ۲۰۲۲). این تجربه زمانی شکل می‌گیرد که فرد نتواند ارتباط عاطفی و اجتماعی رضایت‌بخشی با همسر خود برقرار کند. احساس تنهایی یک تجربه روان‌شناختی آزاردهنده است که می‌تواند زمینه‌ساز جستجوی روابط جایگزین، کاهش تعهد زناشویی و افزایش خطر بروز مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب و خودکشی باشد (روکاچ، ۲۰۲۲؛ لی و همکاران، ۲۰۲۲). احساس تنهایی از جنبه نظری به‌عنوان فاصله میان سطح مطلوب و سطح واقعی روابط اجتماعی تعریف شده است. این شکاف، هم جنبه‌های کمی (تعداد روابط اجتماعی) و هم جنبه‌های کیفی (عمق و رضایت‌بخشی ارتباطات) را در بر می‌گیرد و هرچه این فاصله بیشتر باشد، شدت احساس تنهایی افزایش می‌یابد (کاراسو و همکاران، ۲۰۲۱). احساس تنهایی با اختلالات روانی، بیماری‌های جسمانی، کاهش رضایت زندگی و کاهش کیفیت تعاملات بین‌فردی ارتباط مستقیم دارد (کونستاتین و همکاران، ۲۰۲۲).

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر احساس تنهایی و گرایش به روابط فرازناشویی، الگوهای ارتباطی زوجین است. ارتباط زناشویی فرآیندی پیچیده است که شامل تعاملات کلامی (گفتار) و غیرکلامی (گوش دادن، حالت چهره، ژست‌ها و رفتارهای بدنی) است و کیفیت این تعاملات نقش مهمی در کاهش یا افزایش احساس تنهایی و نارضایتی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

زناشویی دارد (بهدوست و همکاران، ۲۰۲۱) . عدم مهارت در برقراری ارتباط مؤثر، عدم توجه به نیازهای عاطفی و کاهش کیفیت تعاملات زوجین می‌تواند زمینه‌ساز دلزدگی زناشویی، کاهش رضایت زناشویی و تمایل به روابط فرازناشویی شود(میری و همکاران ،۲۰۲۴) .

کیفیت زندگی جنسی زوجین نیز به‌عنوان متغیر میانجی، نقش کلیدی در رابطه میان احساس تنهایی، عدالت زناشویی ادراک‌شده، دلزدگی زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی دارد. کیفیت زندگی جنسی شامل رضایت از رابطه جنسی، صمیمیت عاطفی و لذت جنسی است و می‌تواند به‌عنوان عامل محافظتی در برابر گرایش به روابط فرازناشویی عمل کند (باتلر و همکاران، ۲۰۲۲). مطالعات نشان داده‌اند که کاهش کیفیت زندگی جنسی با افزایش احتمال گرایش به روابط فرازناشویی مرتبط است (عرب و همکاران، ۲۰۲۲؛ کارلی و فارابی، ۲۰۲۲).

با وجود مطالعات متعدد در این حوزه، تحقیقات پیشین غالباً به بررسی جزئی این متغیرها پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی جامع و مدل‌سازی معادلات ساختاری این عوامل پرداخته است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مدل‌سازی گرایش به روابط فرازناشویی با در نظر گرفتن احساس تنهایی، عدالت زناشویی ادراک‌شده و دلزدگی زناشویی، با میانجی‌گری کیفیت زندگی جنسی زوجین طراحی شده است. این رویکرد می‌تواند به درک عمیق‌تر عوامل مؤثر بر گرایش به روابط فرازناشویی و تدوین راهبردهای پیشگیرانه و درمانی مؤثر کمک کند.

بر اساس مبانی نظری و شواهد پژوهشی موجود، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است:

آیا کیفیت زندگی جنسی نقش میانجی در رابطه بین گرایش به روابط فرازناشویی و متغیرهای احساس تنهایی، عدالت زناشویی ادراک‌شده و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی با مدل‌سازی معادلات ساختاری است، زیرا هدف آن تعیین نقش واسطه‌ای کیفیت زندگی جنسی در رابطه بین گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس احساس تنهایی در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده شهر مشهد در بازه زمانی دی تا اسفند ماه سال ۱۴۰۳ بود. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه هدفمند انجام شد، به‌طوری که تنها افرادی که واجد ملاک‌های ورود بودند در مطالعه شرکت داده شدند.تعیین حجم نمونه یکی از مراحل کلیدی هر پژوهش است، زیرا حجم نمونه بر اعتبار نتایج و قابلیت تعمیم یافته‌ها تأثیر مستقیم دارد. با توجه به استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، حجم نمونه بر اساس قاعده رایج در پژوهش‌های مبتنی بر شاخص‌ها و مولفه‌ها تعیین شد. مطابق این قاعده، برای هر مولفه یا شاخص اندازه‌گیری متغیرها باید بین ۱۰ تا ۱۵ نفر نمونه در نظر گرفته شود تا قدرت آماری کافی برای آزمون مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل فراهم شود. در این پژوهش، تعداد ۲۵ مولفه (سوال) مورد استفاده قرار گرفت که هر یک نماینده یک شاخص در مدل مفهومی بودند. بر این اساس، حداقل حجم نمونه مورد نیاز ۲۵۰ نفر و حداکثر ۳۷۵ نفر تعیین شد. برای اطمینان از کفایت نمونه جهت انجام آزمون‌های آماری، ۳۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه اولیه انتخاب شدند.ملاک‌های ورود شامل داشتن تحصیلات حداقل در سطح راهنمایی، داشتن حداقل یک سال زندگی مشترک و سن بین ۲۰ تا ۴۵ سال بود. ملاک‌های خروج شامل سابقه بیماری‌های عصبی و روانی، بستری شدن در بیمارستان یا اختلالات جنسی شناخته‌شده، عدم تکمیل پرسشنامه‌ها یا پاسخ‌های ناقص و عدم رضایت شرکت‌کننده به ادامه پژوهش بود. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه احساس تنهایی، پرسشنامه عدالت زناشویی، پرسشنامه دلزدگی زناشویی، پرسشنامه گرایش به روابط فرازناشویی و پرسشنامه کیفیت زندگی جنسی بود. پیش از تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، برای اطمینان از دقت نتایج، همسانی درونی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد و نتایج به تفکیک هر پرسشنامه و مؤلفه‌های آن ارائه شد. فرایند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا از میان زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره، افرادی که واجد ملاک‌های ورود بودند شناسایی شدند. سپس در جلسه‌های انفرادی، هدف و شیوه پژوهش برای آنان توضیح داده شد و پرسشنامه‌ها به صورت حضوری در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. پژوهشگر همچنین رضایت کتبی شرکت‌کنندگان جهت استفاده از اطلاعات آنان را اخذ کرد. در طول مدت پاسخ‌دهی، پژوهشگر به صورت تلفنی و حضوری نظارت داشت تا از پاسخ‌دهی سریع، سطحی یا بدون تمرکز جلوگیری شود و در صورت وجود ابهام در تکمیل پرسشنامه‌ها، توضیحات تکمیلی به شرکت‌کنندگان ارائه شد.

ابزار پژوهش

مقیاس تجدید نظر شده احساس تنهایی راسل (UCLA): برای سنجش احساس تنهایی در این پژوهش از پرسشنامه راسل و همکاران (۱۹۸۰) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال با مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای از «هرگز» (نمره ۱) تا «همیشه» (نمره ۴) است، که ۱۰ سؤال آن مثبت و ۱۰ سؤال منفی طراحی شده‌اند. نمره کل هر فرد از جمع نمره‌های ۲۰ سؤال به دست می‌آید و دامنه آن بین ۲۰ تا ۸۰ است؛ نمرات بالاتر نشان‌دهنده احساس تنهایی بیشتر است.نسخه اصلی UCLA به احتمال سوگیری در پاسخ‌دهی حساس بود؛ بنابراین متخصصان آن را بازنگری و اصلاح کردند تا دقت و اعتبار مقیاس افزایش یابد .پرسشنامه تنهایی راسل برای نخستین بار توسط راسل و فرگوسن تدوین شد و پس از سه مرحله ویرایش، نسخه نهایی آن در گروه‌های متنوع شامل دانشجویان، پرستاران، معلمان و افراد سالمند و با روش‌های خودگزارشی و مصاحبه اجرا شد. پایایی این مقیاس در مطالعات مختلف رضایت‌بخش بوده و دامنه ضریب آلفای کرونباخ بین ۰٫۸۹ تا ۰٫۹۴ گزارش شده است. همچنین، آزمون بازآزمون در افراد سالمند همبستگی ۰٫۷۳ را نشان داد که حاکی از پایایی مناسب است (حجت ، ۱۹۸۲) . پایایی این مقیاس در نمونه پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار آن ۰٫۹۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بسیار مناسب است. همچنین روایی ابزار بر اساس مطالعات پیشین و تطابق با ساختار مفهومی احساس تنهایی تأیید شده است.

پرسشنامه کیفیت زندگی جنسی: در پژوهش حاضر برای سنجش کیفیت زندگی جنسی زنان از پرسشنامه سیموند و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شد. این پرسشنامه به‌طور اختصاصی برای ارزیابی کیفیت زندگی جنسی طراحی و تدوین شده و شامل ۱۸ سؤال است که پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت شش‌گزینه‌ای ثبت می‌شوند. مقیاس پاسخ‌دهی از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» امتداد دارد و سطح رضایت و کیفیت تجربه جنسی زنان را می‌سنجد. نمونه‌ای از سؤالات این پرسشنامه عبارت است از: «وقتی درباره زندگی جنسی خود فکر می‌کنم، می‌بینم به طور کلی آن بخش لذت‌آوری از زندگی من است»، که با هدف ارزیابی جنبه‌های مثبت تجربه جنسی طراحی شده است.

نسخه فارسی این پرسشنامه در ایران توسط روشن‌چسلی و همکاران (۱۳۹۷) مورد اعتباریابی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰٫۷ به دست آمده است که نشان‌دهنده انسجام درونی مناسب سؤالات پرسشنامه است. همچنین، روایی مقیاس از طریق تطبیق با ساختار مفهومی کیفیت زندگی جنسی و تحلیل محتوای سؤالات در جامعه ایرانی تأیید شد. بر این اساس، پرسشنامه سیموند و همکاران، ابزاری معتبر، قابل اعتماد و مناسب برای سنجش کیفیت زندگی جنسی زنان در پژوهش حاضر محسوب می‌شود و می‌تواند نتایج دقیقی از وضعیت تجربه جنسی و رضایت مرتبط با آن ارائه دهد.

پرسشنامه نگرش به روابط فرازناشویی واتلی (۲۰۰۸): استفاده شد که به‌طور اختصاصی برای ارزیابی نگرش افراد نسبت به خیانت زناشویی طراحی و تدوین شده است. این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال است و پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت هفت‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۷) نمره‌گذاری می‌شوند. نمونه‌ای از سؤالات این ابزار شامل جملاتی نظیر: «در روابط زن و شوهر، خیانت یکی از دلایل طلاق است» می‌باشد که میزان پذیرش و نگرش مثبت به خیانت زناشویی را می‌سنجد.از میان ۱۲ سؤال، سوالات ۲، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۲ معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، به این صورت که کاملاً موافقم ۱ نمره و کاملاً مخالفم ۷ نمره دریافت می‌کنند. برای محاسبه نمره کل، نمرات تمامی گویه‌ها جمع زده می‌شوند. دامنه نمرات پرسشنامه بین ۱۲ تا ۸۴ است و هر چه نمره به دست آمده بالاتر باشد، نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر و پذیرش بیشتر خیانت زناشویی است و بالعکس.روایی این ابزار، یعنی میزان سنجش دقیق آنچه مدنظر است، توسط پژوهش‌های پیشین تأیید شده است؛ قریشی راد در پژوهش خود ، روایی محتوایی، صوری و ملاکی پرسشنامه را مناسب ارزیابی کرد. وی ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بالای ۰٫۷ گزارش کرد و ضرایب همبستگی نمره کل بین ۰٫۶۱ تا ۰٫۹۲ قرار داشت، که نشان‌دهنده پایایی و قابلیت اعتماد بالای پرسشنامه است.

یافته‌ها

برای تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده، ابتدا از شاخص‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد جهت نمایش و خلاصه‌سازی داده‌ها استفاده شد. سپس به منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش که شامل متغیرهای درون‌زا، برون‌زا و میانجی بود، از روش معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS) بهره گرفته شد. داده‌ها در ابتدا با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ پردازش و سپس جهت برازش مدل و بررسی روابط بین متغیرها در نرم‌افزار PLSنسخه ۴٫۶ تحلیل شدند. همچنین برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها، از تحلیل مسیر و روش بوت‌استروپ با نمونه‌گیری مجدد استفاده گردید.

به منظور توصیف ویژگی‌های متغیرهای پژوهش، شاخص‌های آماری شامل میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه محاسبه شد (جدول ۱).

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
احساس تنهایی	۲۴	۶۹	۱۷/۴۵	**۵/۳۱**
کیفیت زندگی جنسی	۳۰	۵۰	۳۵/۳۸	**۹/۴۵**
نگرش به روابط فرازناشویی	۲۲	۶۴	۳۵/۵۵	**۱۲/۵۰**

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین نمره احساس تنهایی در نمونه پژوهش برابر با ۱۷/۴۵ با انحراف معیار ۵/۳۱ بوده است که بیانگر آن است که سطح احساس تنهایی شرکت‌کنندگان در حد متوسط قرار دارد. میانگین نمره کیفیت زندگی جنسی ۳۵/۳۸ با انحراف معیار ۹/۴۵ به دست آمد که نشان می‌دهد کیفیت زندگی جنسی زنان متأهل مورد مطالعه در سطحی نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شود. همچنین میانگین نمره نگرش به روابط فرازناشویی برابر با ۳۵/۵۵ با انحراف معیار ۱۲/۵۰ بود که حاکی از آن است که نگرش به روابط فرازناشویی در جامعه مورد مطالعه گرایشی متوسط به سمت پذیرش خیانت را نشان می‌دهد. به طور کلی، پراکندگی مقادیر بر اساس انحراف معیارها نشان می‌دهد که متغیرها از توزیع مناسبی برخوردارند و داده‌ها قابلیت تحلیل در مراحل بعدی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری را دارند. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش، ماتریس همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۵- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳
احساس تنهایی	۱		
کیفیت زندگی جنسی	-۰/۵۴	۱	
روابط فرازناشویی	۰/۵۲**	-۰/۵۳**	۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

** معنادار در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین احساس تنهایی و نگرش به روابط فرازناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، در حالی‌که کیفیت زندگی جنسی با هر دو متغیر یادشده همبستگی منفی و معنادار نشان می‌دهد.

برای آزمون مدل مفهومی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی استفاده شد. شاخص‌های برازش مدل در جدول (۳) گزارش شده است.

جدول ۶- شاخص‌های برازندگی مدل برازش شده پژوهش

نام شاخص	مقادیر	برآوردهای مدل	حد مجاز
GOF	احساس تنهایی	۰/۵۶۹	بالاتر از ۰/۳۶
	کیفیت زندگی جنسی	۰/۶۱۷	
	روابط فرازناشویی	۰/۶۰۲	
ضریب تعیین R^2	احساس تنهایی	۰/۶۹۴	بالاتر از ۰/۵
شاخص Q^2	احساس تنهایی	۰/۳۲۰	مثبت

نتایج نشان می‌دهد که مدل مورد بررسی از برازش مطلوبی برخوردار بوده و توان تبیینی و پیش‌بینی مناسبی برای متغیرهای درون‌زا دارد.

بررسی ضرایب مسیر بین متغیرها نشان داد که احساس تنهایی اثر مستقیم مثبت و معناداری بر نگرش به روابط فرازناشویی دارد(β=۰/۷۳ ، p<۰/۰۱)همچنین کیفیت زندگی جنسی اثر مستقیم منفی و معناداری بر نگرش به روابط فرازناشویی نشان داد (β=۰/۶۹ ، p<۰/۰۱) علاوه بر این، تحلیل بوت‌استروپ با نمونه‌گیری مجدد نشان داد که کیفیت زندگی جنسی نقش میانجی معناداری در رابطه بین احساس تنهایی و نگرش به روابط فرازناشویی ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که اثر غیرمستقیم معنادار بوده و بازه اطمینان آن شامل صفر نمی‌شود.

به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش احساس تنهایی با گرایش مثبت‌تر به روابط فرازناشویی همراه است، اما کیفیت زندگی جنسی بالا می‌تواند این اثر را کاهش دهد و به عنوان یک عامل محافظتی عمل کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

شکل۱-مدل ساختاری پژوهش

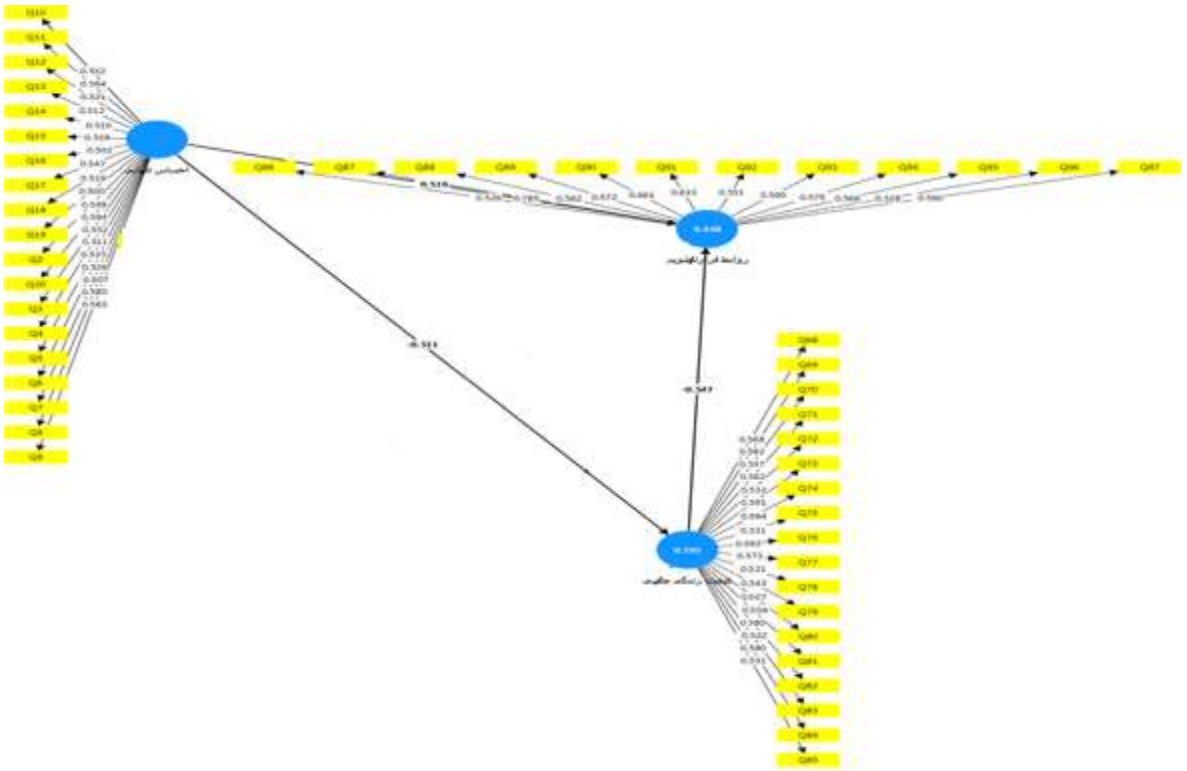

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که افزایش احساس تنهایی در زنان متأهل با گرایش بالاتر به روابط فرازناشویی همراه است و کیفیت زندگی جنسی به‌عنوان یک عامل میانجی، این رابطه را تعدیل می‌کند. به عبارت دیگر، کیفیت زندگی جنسی نه تنها اثر مستقیم منفی بر گرایش به روابط فرازناشویی دارد، بلکه توانمندی کاهش اثر منفی تنهایی را نیز داراست. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین همسو هستند و نشان می‌دهند که احساس تنهایی و کیفیت زندگی جنسی نقش اساسی در شکل‌گیری رفتارهای زناشویی و گرایش به خیانت زناشویی ایفا می‌کنند. تبیین این نتایج از منظر روان‌شناختی بیانگر آن است که تنهایی به عنوان محرک روانی و کیفیت زندگی جنسی به عنوان عامل محافظتی، در تنظیم رفتارهای زناشویی نقش دارد و توجه به این دو متغیر می‌تواند پایه‌ای برای طراحی مداخلات روان‌شناختی و پیشگیرانه باشد(کارتر و همکاران، ۲۰۲۲).

تحلیل داده‌ها نشان داد که افزایش احساس تنهایی با گرایش بیشتر به روابط فرازناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارد. این یافته با مطالعات قبلی مانند کارتر و همکاران (۲۰۲۲) و روکاچ و چان (۲۰۲۲) هم‌راستا است و تایید می‌کند که تنهایی یکی از عوامل مهم در جستجوی ارتباطات خارج از ازدواج است. از منظر نظری، تنهایی زناشویی به معنای فقدان ارتباط عاطفی و اجتماعی رضایت‌بخش با همسر است و می‌تواند محرکی برای جستجوی روابط جایگزین باشد. فقدان حمایت عاطفی و صمیمیت کافی در زندگی مشترک موجب می‌شود که فرد برای جبران خلأهای عاطفی، به دنبال منابع حمایتی جایگزین، از جمله روابط خارج از ازدواج، باشد. از دیدگاه عملی، این یافته اهمیت طراحی مداخلات مشاوره‌ای را نشان می‌دهد که هدف آن کاهش احساس تنهایی از طریق تقویت مهارت‌های ارتباطی زوجین، افزایش تعاملات مثبت و حمایت متقابل است تا انگیزه جستجوی روابط جایگزین کاهش یابد(دیموسکی و همکاران ،۲۰۱۹).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که کیفیت زندگی جنسی اثر مستقیم منفی بر نگرش به روابط فرازناشویی دارد. رضایت و صمیمیت جنسی می‌تواند به عنوان عامل محافظتی در زندگی زناشویی عمل کرده و تمایل به روابط فرازناشویی را کاهش دهد. این نتیجه با پژوهش‌های تان و همکاران (۲۰۲۵) و سلترمن و همکاران (۲۰۲۳) همخوانی دارد، که نشان داده‌اند کاهش کیفیت زندگی جنسی با افزایش گرایش به روابط فرازناشویی مرتبط است. تبیین این یافته از منظر نظری بر این اساس است که کیفیت زندگی جنسی تنها شامل رضایت از عملکرد جنسی نیست، بلکه با صمیمیت عاطفی و احساس تعلق و رضایت کلی از زندگی مشترک نیز همبستگی دارد. بدین ترتیب، کیفیت زندگی جنسی بالا می‌تواند رضایت و تعلق زوجین به یکدیگر را تقویت کرده و انگیزه جستجوی ارتباطات جایگزین را کاهش دهد(باتلر و همکاران، ۲۰۲۲). از منظر عملی، ارتقای کیفیت زندگی جنسی از طریق آموزش مهارت‌های جنسی، مشاوره زوجین و افزایش صمیمیت عاطفی می‌تواند به کاهش گرایش به روابط فرازناشویی کمک کند(کونستاتین و همکاران، ۲۰۲۲).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، نقش میانجی کیفیت زندگی جنسی در رابطه بین احساس تنهایی و گرایش به روابط فرازناشویی بود. تحلیل مسیر نشان داد که حتی در حضور احساس تنهایی، کیفیت بالای زندگی جنسی می‌تواند اثر منفی تنهایی بر گرایش به خیانت را تعدیل کند. این یافته با مدل‌های بین‌فردی و روان‌شناختی که رضایت جنسی را به عنوان عاملی محافظتی در روابط زناشویی معرفی می‌کنند، همخوانی دارد(روکاچ، ۲۰۲۲؛ لی و همکاران، ۲۰۲۲). کیفیت زندگی جنسی می‌تواند احساس تعلق، رضایت و صمیمیت عاطفی را افزایش داده و انگیزه جستجوی ارتباطات جایگزین را کاهش دهد(کاراسو و همکاران، ۲۰۲۱). این نکته اهمیت عملی ویژه‌ای دارد، زیرا می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات مشاوره‌ای و روان‌درمانی زوجین باشد که هدف آن افزایش کیفیت زندگی جنسی و کاهش احساس تنهایی است. مداخلاتی نظیر جلسات آموزش مهارت‌های ارتباطی و جنسی، مشاوره فردی یا زوجی و برنامه‌های آموزشی برای بهبود صمیمیت و رضایت زناشویی می‌توانند اثر محافظتی میانجی کیفیت زندگی جنسی را تقویت کنند.

با وجود این دستاوردها، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. نخست، طراحی پژوهش به صورت همبستگی و مقطعی بود و نمی‌تواند روابط علی بین متغیرها را به‌طور قطعی اثبات کند؛ بنابراین، مطالعات آینده می‌توانند از طراحی‌های طولی یا آزمایشی استفاده کنند تا پویایی و علیت متغیرها بهتر بررسی شود. دوم، جامعه آماری محدود به زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده در یک شهر خاص بود و تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها یا مناطق با احتیاط انجام شود. سوم، ابزارهای اندازه‌گیری مبتنی بر خودگزارشی بودند و امکان سوگیری پاسخ‌دهنده وجود دارد، هرچند روایی و پایایی آن‌ها تأیید شده است. با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌ها پیشنهادات کاربردی مهمی ارائه می‌دهند که می‌تواند در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات مشاوره‌ای موثر واقع شود.

نتیجه‌گیری کلی پژوهش نشان می‌دهد که افزایش احساس تنهایی با افزایش گرایش به روابط فرازناشویی مرتبط است و کیفیت بالای زندگی جنسی می‌تواند اثر منفی تنهایی را کاهش دهد. از منظر عملی، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای باید بر بهبود ارتباط زناشویی، ارتقای کیفیت زندگی جنسی و کاهش احساس تنهایی زنان متأهل تمرکز کنند تا از گرایش به روابط فرازناشویی پیشگیری شود و سلامت روان و پایداری خانواده ارتقاء یابد. یافته‌های این پژوهش همچنین تأکید می‌کنند که مداخلات روان‌شناختی و آموزشی باید به‌طور همزمان بر کاهش تنهایی و ارتقای کیفیت زندگی جنسی تمرکز کنند، زیرا ترکیب این دو عامل بیشترین اثر محافظتی را در کاهش گرایش به خیانت زناشویی دارد. در نهایت، مطالعه حاضر با ارائه شواهد علمی، پایه‌ای برای توسعه برنامه‌های مداخله‌ای و پیشگیرانه در حوزه سلامت روان زناشویی فراهم می‌کند و می‌تواند به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

سیاست‌گذاران و متخصصان خانواده و روان‌شناسان در طراحی راهبردهای مؤثر کمک کند.

ملاحظات اخلاقی

کسب رضایت آگاهانه از اصول اخلاقی در این پژوهش بود.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

تعارض منافع

بدینوسیله نویسندگان تصریح می‌نمایند که هیچگونه تضاد منافعی در خصوص پژوهش حاضر وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند که از کلیه افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

References

Antosh, D. D., & Megahed, N. N. (2021). Sexual Function After Pelvic Reconstructive Surgery. Obstetrics and Gynecology Clinics, 48(3), 639-651

Arab, S., Nazeriyeh, A., & Dehghan, A. (2022). Predicting Marital Infidelity based on Behavioral Inhibition and Activation Systems and Couples' Communication Patterns. *Journal of Consulting Excellence and Psychotherapy: Issue*, *43*, 52-65.

Behdost, P., Porshehariari, M., & Hoseinian, S. (2021). A comparison of communication patterns, emotional expression styles, and intimacy among betrayed and normal women. *Quarterly Journal of Women and Society*, *12*(45), 1-14.

Blow F & Hartnett. C (2021). Cohesion in group psychotherapy. In J. C. Norcross (Ed.), *Psychotherapy relationships that work: Therapist contributions and responsiveness to patients* (pp. 71-87). New York: Oxford University Press.

Butler, M. H., Gossner, J. D., & Fife, S. T. (2022). Partners taking turns leaning in and leaning out: Trusting in the healing arc of attachment dynamics following betrayal. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *21*(3), 233-257.

Carley, D. W., & Farabi, S. S. (2016). Physiology of Sleep. Diabetes spectrum: a publication of the American Diabetes Association, 29(1), 5–9. https://doi.org/10.2337/diaspect.29.1.5

Carter, H., Lee, S., & Park, J. (2022). The mediating role of sexual quality of life in the relationship between perceived marital justice and extramarital affairs among married women. Journal of Family Psychology, 36(5), 600-611.

Constantine, T., Ioannis, K., Kassi, E., & Chrousos, G. P. (2016). Stress, Endocrine Physiology and Pathophysiology. Nih.gov; MDText.com, Inc. https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK278995/

Dimovski, K., Orho-Melander, M., & Drake, I. (2019). A favorable lifestyle lowers the risk of coronary artery disease consistently across strata of non-modifiable risk factors in a population-based cohort. BMC public health, 19(1), 1575. https://doi.org/10.1186/s12889-019-7948-x

Gezer, F., & Özkamalı, E. (2023). Predictors of Marital Satisfaction in Married Teachers: Tendency to Cheat and Interpersonal Cognitive Distortions. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, *10*(4), 976-986.

Ghoreishi Rad, F. S. (2018). Relationship between religious commitment and other factors related to tendency toward extra-marital affairs among married students. *Health, Spirituality and Medical Ethics*, *5*(2), 45-50.

Hojat, M. (1982). Psychometric characteristics of the UCLA Loneliness Scale: A study with Iranian college students. *Educational and Psychological Measurement*, *42*(3), 917-925.

Karasu, F., Ayar, D., & Çopur, E. Ö. (2021). The Effect of Solution Focused Level on Marital Disaffection and Sexual Satisfaction in Married Individuals. Contemporary Family Therapy, 1-10

Lee, M., Kim, J., & Park, H. (2022). Perceived marital justice and marital infidelity: The mediating effect of sexual quality of life and the moderating role of conflict resolution skills. Journal of Marriage and Family Therapy, 50(1), 50-65.

Lişman, C. G., & Holman, A. C. (2021). Cheating under the circumstances in marital

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

relationships: The development and examination of the propensity towards infidelity scale. *Social Sciences*, *10*(10), 392.

Miri, N., Zarbakhsh Bahri, M. R., & Ghorban Shirodi, S. (2024). Presenting the model of trust in couples affected by betrayal based on emotional schemas with the mediation of communication patterns and emotional expression. *Journal of Psychological Science*, *23*(144), 173-194.

Nafisa, H., & Ratnasari, Y. (2022, April). Prediction of attitudes towards infidelity among married individuals based on marital satisfaction and grateful disposition. In *3rd Tarumanagara International Conference on the Applications of Social Sciences and Humanities (TICASH 2021)* (pp. 1593-1599). Atlantis Press.

Rokach, A., & Chan, S. H. (2023). Love and infidelity: Causes and consequences. *International journal of environmental research and public health*, *20*(5), 3904.

Rokach, T., (2022). Stress, Endocrine Physiology and Pathophysiology. Nih.gov; MDText.com, Inc. https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK278995/

Selterman, D., Joel, S., & Dale, V. (2023). No remorse: Sexual infidelity is not clearly linked with relationship satisfaction or well-being in Ashley Madison users. *Archives of sexual behavior*, *52*(6), 2561-2573.

Tan, S. A., Ang, S. M., Pung, P. W., Teoh, X. Y., & Ooh, S. L. (2025). Sex life dissatisfaction contribute to intention toward infidelity among Malaysians: relationship satisfaction as a mediator. *BMC psychology*, *13*(1), 68.

Wdowiak, K., Maciocha, A., Wąż, J., Słomka, P., Drogoń, J., Chachaj, W., ... & Konieczko, D. (2024). Cheating in relationships–literature review. *Polish Journal of Public Health*, *134*, 104-108.

Yazdani, M., & Robatmili, S. (2024). Predicting cheating among married individuals based on sexual satisfaction and personality traits: A review. *Open Access Research Journal of Biology and Pharmacy*, *10*(1), 023-025.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]